

## اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی

لیلا شفیعی<sup>۱</sup>، عاصم محمدی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار و هیات علمی گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران.

### چکیده

دنیای پرچالش کسب و کار امروز ما را مجبور می‌سازد تا همسو با بقیه کشورها به سوی جهانی شدن گام برداریم. لزوم پیوستن جمهوری اسلامی ایران به سازمان تجارت جهانی و همچنین مهم بودن فهم ادبیات هر موضوع برای درک بهتر آن، ما را بر آن می‌دارد تا با سازمان تجارت جهانی بیشتر آشنا شویم، لذا فهم درست ساختار سازمانی این سازمان و مسئولیتها و اختیارات هر بخش از آن، ما را به هدف خود نزدیک تر می‌سازد. سازمان جهانی تجارت با بیش از ۱۶۰ عضو نزدیک به ۹۸ درصد از تجارت جهانی را در اختیار دارد، با عضویت در این سازمان، علیرغم تنگناها و فشارهای اقتصادی که ممکن است در کوتاه مدت برای کشور داشته باشد، می‌توان امیدوار بود از جهات اقتصادی و حتی فرهنگی - اجتماعی و به‌ویژه ارتقای سطح جهانی ایران در بلندمدت منافع فراوانی در پی داشته باشد سازمان تجارت جهانی نهاد قدرتمند بین‌المللی است که با وضع قواعد و مقررات برای قانونمند کردن تجارت بین کشورها سروکار دارد. و به همین جهت امری اجتنابناپذیر می‌نماید. آزادی تجارت، کاهش تعرفه‌ها و حذف موانع غیر تعرفه‌ای، از اصول و اهداف سازمان جهانی تجارت است. در همین راستا قواعد و مقرراتی در این سازمان تدوین شده که هر کشور متقاضی عضویت باید قوانین و مقررات داخلی خود را با این قواعد تطبیق دهد. هدف این سازمان ایجاد ثبات در مقررات مربوط به تجارت است تا از این طریق تجارت بین کشورها حتی‌المقدور روان تر و کم هزینه‌تر انجام شود. کشور ما ایران پس از سالها مطالعه، بررسی و ارزیابی آثار مثبت و منفی الحاق ایران به این سازمان، ده سال پیش تصمیم گرفت، تا تقاضای عضویت خود را مطرح کند. کشورهای عضو سازمان موافقت کردند تا ایران عضو ناظر سازمان شود. در این مقاله برآنیم تا به بررسی اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی، تلاشهای ایران برای عضویت و ضرورت اصلاح قوانین و مقررات این سازمان پرداخته شود از جمله قوانین داخلی ایران که اهمیت فراوانی در زمینه تجارت خارجی دارد و نیازمند مطابقت با مقررات سازمان جهانی تجارت است قانون مقررات صادرات و واردات است. هفتم خردادماه سال ۱۳۸۴ درخواست ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی مورد پذیرش قرار گرفت و روند احتمالاً طولانی پیوستن دایمی در این سازمان آغاز شد در این مقاله به بررسی آثار اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی می‌پردازیم.

**واژه‌های کلیدی:** سازمان تجارت جهانی، ایران، آثار حقوقی، اصول حاکم

## مقدمه

تشکیل سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۵ یکی از تحولات مهم اواخر قرن بیستم است. الحاق به این سازمان، متعهد شدن به یکسری مقررات و اصولی است که در موافقت نامه سازمان منعکس است. در موضوعات مرتبط با تجارت جهانی، سازمان جهانی تجارت و موافقت نامه های آن، نقش قانون اساسی در نظام های ملی را ایفا می کند و همانطور که مجالس قانون گذاری حق ندارند با وضع قوانین عادی اصول مطرح شده در قانون اساسی خود را نقض کنند، همین طور سیاست و تدابیر اقتصادی و تجاری یک کشور نباید اصول، تعهدات و مقررات سازمان جهانی تجارت را نقض کند. بنابراین نقش سازمان جهانی تجارت ایجاد ثبات در مقررات و اصول تجارت خارجی کشورهای عضو است تا کشورها نتوانند برای نیل به اهداف کوتاه مدت و آنی خود سیاست هایی اتخاذ کنند که موجب بحران اقتصادی در سطح بین المللی شود. سازمان جهانی تجارت مکانیزمی است که به کشورها امکان می دهد تا ضمن پایه گذاری سیاست های اقتصادی و تجاری خود بر اساس اصول و مقررات حقوقی، به این سازمان بپیوندند. (حیدریان، ۱۳۹۱، ص ۱)

از سویی دیگر، عضویت در سازمان جهانی تجارت بعنوان مرجع تدوین و وضع قواعد و مقررات حاکم بر تجارت جهانی فرصتی را برای همه اعضای آن بوجود می آورد تا ضمن دسترسی بدون تبعیض به بازارهای جهانی، حجم مبادلات تجاری خود را با سایر کشورهای جهان افزایش داده و موجبات رشد اقتصادی اعضای سازمان را فراهم می آورد. جمهوری اسلامی ایران نیز با درک اهمیت عضویت در سازمان جهانی تجارت در تیرماه ۱۳۷۵ درخواست الحاق خود به این سازمان را ارائه نمود که متأسفانه درخواست ایران به دلیل کارشکنی های مکرر ایالات متحده با تأخیری ۹ ساله در خردادماه ۱۳۸۶ در شورای عمومی سازمان جهانی پذیرفته شده و ایران اکنون مراحل مقدماتی فرآیند الحاق به این سازمان را طی می نماید. پذیرش جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو ناظر سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۰۵ و ارائه رژیم تجاری ایران به سازمان مذکور به کشور ایران را در وضعیت جدی و تعیین کننده ای از فرایند الحاق قرار داده است. در صورت پیوستن به سازمان تجارت جهانی فوایدی شامل حال کشور می گردد، که عبارتند از: پیوستن به سازمان تجارت جهانی در دراز مدت منجر به بازنگری و اصلاح قوانین اقتصادی و مالی کشور خواهد شد. اصلاح قوانین و مقررات مالی، ارزی، بانکی، کار، سرمایه گذاری در نهایت منجر به ایجاد هماهنگی در سیاست های پولی، مالی و ارزی شده و بستر قانونی رشد اقتصاد جامعه از طریق هماهنگ کردن قوانین کشور نظیر قانون اساسی، کار، سرمایه گذاری خارجی، بیمه، گمرک و مالیات بوجود می آید. تجارت آزاد و کمتر شدن فشار صاحبان انحصار منجر به ظهور تجار و بنگاه های نو و تقویت ساختار تولید و استفاده بهینه از عوامل تولید در جهت افزایش، کارایی، بهره وری، کیفیت تولیدات و امکان رقابت بهتر در تجارت جهانی خواهد شد. بوجود آمدن رقابت خود بخود باعث افزایش کیفیت کالاها و تولیدات بخاطر رقابت تولید کننده گان در فروش بیشتر خواهد شد و صنایع انحصاری مخصوصاً در کشورهای توسعه نیافته مجبور به انطباق خود با شرایط رقابتی هستند که خود بنفع مردم و مصرف کننده گان خواهد بود. باعث اصلاح الگوهای مدیریتی در حوزه های مختلف خواهد شد. هنگامی که امکان اصلاح ساختارهای مدیریتی به علت منفعت طلبی یا مصلحت اندیشی، توسط فرهنگ داخلی دشوار می باشد با ظرفیت بازنگری وجود ندارد، همگامی با تجارت آزاد در دنیای جدید بتدریج زمینه عملکرد های مصلحتی و غیر علمی در زمینه مدیریت را از بین می برد. بدین معنی که با عضویت در سازمان امر واردات و صادرات با سهولت بیشتری میان تولید کنندگان و ارائه دهندگان خدمات داخلی و خارجی تحقق خواهد یافت. (بزرگی، ۱۳۷۸) لذا در این راستا ورود به سازمان تجارت جهانی و بهره مندی از منابع تجارت آزاد، تحلیل اثرات الحاق به سازمان تجارت جهانی و تعیین تعهدات ایران در این زمینه و شناسایی عوامل مثبت و منفی حاصل از الحاق بر بخش های مختلف و

انجام بستر سازی و تمهید امکانات و منابع داخلی، ضروری و مهم می باشد (جلالوند، ۱۳۷۸). بنابراین این واقعیت گریزناپذیر صرف نظر از مزیت ها و مضرات آن وجود دارد که اقتصاد ایران نیز باید با اقتصاد جهانی هم پیوند شود. برای رویارویی با این پدیده ابتدا، می باید قوانین اقتصادی سازگار با اقتصاد جهانی در کشور تدوین شود، و سپس، از یک طرف به شناسایی بخش هایی که از توانایی لازم برای حضور در بازارهای جهانی برخوردار بوده، پرداخته و با حمایت هدفمند زمینه های مساعد را برای گسترش رقابت آنها فراهم کرد و از طرف دیگر، با شناسایی بخش های ناتوان در جهت تقویت و برطرف نمودن موانع گوشش نمود (اندوه، ۱۳۸۷) الحاق یا عضویت کامل ایران به سازمان بازاری و نوسازی ساختار اقتصادی - تجاری و حقوقی کشور است. این امر، قبل از هر چیز ملازمه با فرهنگ سازی دارد. آنچه در این بررسی کوتاه و گذرا، مد نظر است، بازاری نظام حقوق تجارت کشور است که از یک طرف ضرورت اصلاح قانون تجارت کنونی کشور را ایجاب می کند و از طرف دیگر لزوم پذیرش موافقت نامه های تجاری را مطرح می سازد.

بحث تجارت در جهان امروز، و الحاق کشورها به سازمان جهانی تجارت، فرصت ها و چالش هایی را پیش روی دولتمردان قرار داده است. پذیرش جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو ناظر سازمان مذکور، اندیشه حقوقدانان، اقتصاددانان و سیاستمداران را به خود معطوف نموده است. لذا با توجه به اینکه ایران عضو ناظر سازمان تجارت جهانی است، باید آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بررسی شود و مساله اساسی این است که مشخص شدن آثار الحاق ایران اولین قدم در جهت رفع موانع و چالش های پیشرو است، هم چنین الزامات الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در این تحقیق تبیین می شود. هم چنین در این بررسی محاسن و معایب و هم چنین موانع احتمالی و راهکارهای پیشنهادی مد نظر خواهد بود. از مواردی که به طور معمول، کشورها از جمله ایران با آن روبرو هستند، ضرورت اصلاح قوانین و مقررات در حوزه تجارت است، که در پژوهش حاضر مواردی که نیازمند اصلاح و بازنگری است تبیین می شود. بنابراین باید جایگاه فعلی اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی بر اساس شاخص های مربوط مورد بررسی قرار گیرد. مزیت نسبی اقتصاد ایران در الحاق به سازمان جهانی تجارت بر اساس مطالعات تئوریک و کاربردی مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد تا با شناخت دقیق وضعیت موجود و مزیت های نسبی اقتصاد ایران، رهنمودهای مناسب برای مذاکرات الحاق ارائه شود. لذا پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی چگونه است؟

### اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی دارای اصولی است که در موافقت نامه های مختلف آن مورد اشاره قرار گرفته است. این اصول عبارت اند از:

تضمین آزادی تجاری بین اعضا؛ این اصل بر این مبنا استوار است که با آزادی تجاری در مجموع منافع بیشتری برای کشورها ایجاد می شود (تئوری مزیت نسبی ریکاردو) بر این اساس سازمان تجارت جهانی کلیه موانع تجاری (به غیر از تعرفه) را ممنوع کرده، لذا کلیه اعضا مکلف به رعایت این موضوع هستند.

کاهش تعرفه های گمرکی: کلیه کشورها مکلف به کاهش تعرفه های خود هستند اما اعمال تعرفه به طور کلی برای اعضا ممنوع نیست. بر همین اساس کشورها علاوه بر تعیین سقف تعرفه، با کشورهای دیگر وارد مذاکره چندجانبه می شوند تا تعرفه ها را کاهش دهند. در این شیوه کشورهای تولیدکننده یک کالا با وارد کنندگان آن توافق می نمایند تا به صورت متقابل تعرفه های یکدیگر را کاهش دهند.

- لغو کلیه تبعیض‌های تجاری: تبعیض می‌تواند به دو صورت باشد:

(۱) نوع اول تبعیض در خصوص کالاهای وارداتی از کشورهای مختلف است. بر اساس ماده ۱ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) ۱۹۹۴ و ماده ۲ موافقت‌نامه عمومی راجع به تجارت خدمات (گاتز) و ماده ۴ موافقت‌نامه حقوق مالکیت فکری (تریپس) رفتار کشورهای عضو با محصولات مشابه وارداتی از سایر کشورها باید یکسان باشد. البته این اصل چند استثنا دارد. این استثناها عبارتند از: الف) کشورهایی که اقدام به تأسیس اتحادیه‌های گمرکی کرده‌اند می‌توانند امتیازات بیشتری به اعضای اتحادیه خود بدهند. ب) کشورهای توسعه‌یافته می‌توانند برخی امتیازات را برای واردات از کشورهای در حال توسعه در نظر بگیرند. پ) کشورها می‌توانند نسبت به محصولاتی که با قیمت میرایی به بازار آنها وارد می‌شوند اقدامات دفاعی انجام دهند.

(۲) نوع دوم تبعیض در خصوص کالاهای وارداتی و تولید داخل است. بر این اساس کشورهای عضو حق ندارند سیاست‌هایی را در پیش بگیرند که امتیازاتی برای محصول داخلی ایجاد نماید.

شفافیت بخشیدن به مقررات تجاری: کلیه قوانین و مقررات حاکم در کشور عضو که به هر نحوی بر فروش محصولات، توزیع، حمل‌ونقل، بیمه، انبارداری، مونتاژ، و ... موثر هستند باید به صورت شفاف منتشر شوند. همچنین اعضا موظف هستند نسخه‌ای از این قوانین و مقررات را به سازمان تجارت جهانی تحویل دهند.

توسعه و اصلاحات اقتصادی: با توجه به آنکه اکثر اعضای سازمان تجارت جهانی جز کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آیند، سازمان به این کشورها و خصوصاً کشورهای کمتر توسعه‌یافته این اجازه را می‌دهد تا در یک دوره زمانی مشخص اقدام به اصلاحات اقتصادی نماید. همچنین کشورهای توسعه‌یافته باید بازارهای خود را به روی تولیدات کشورهای کمتر توسعه‌یافته باز کرده و به آنها کمک‌های فنی ارائه دهند.

فعالیت‌های زیست‌محیطی جزو این دسته از یارانه‌ها قرار می‌گیرند.

### فرآیند عضویت در سازمان تجارت جهانی

کشورها برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی باید ضمن کسب موافقت سازمان برای عضویت باید تمام موافقت‌نامه‌های چندجانبه سازمان را بپذیرد. موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی برای کشورهای عضو مانند قانون اساسی بوده که تمامی قوانین کشور باید در آن چارچوب تدوین شوند. این موضوع خود می‌تواند به ثبات اقتصادی کشورها کمک نماید.

تقاضای رسمی کشور برای پیوستن به سازمان: در گام نخست کشور باید به صورت رسمی تقاضای عضویت در سازمان را به دبیر کل تحویل دهد. برای این کار باید فرم مربوط به تقاضانامه پیوستن به سازمان را تکمیل و تحویل دبیرخانه داد. کشورها معمولاً در این نامه دلایل تقاضا برای عضویت و پیشرفت‌های داخلی در کشور خود برای تطبیق با قوانین سازمان تجارت جهانی را ذکر می‌کنند.

تأیید شورای عمومی برای بررسی تقاضا: پس از تحویل تقاضای عضویت، دبیر کل سازمان باید این تقاضا را در شورای عمومی مطرح نماید. شورای عمومی متشکل از نمایندگان تمام اعضای سازمان است و در صورتی که کشور متقاضی را دارای شرایط عضویت بداند با بررسی تقاضا در کارگروه موافقت می‌کند.

تشکیل کارگروه: برای بررسی تقاضای پیوستن کشورها به سازمان تجارت جهانی، باید کارگروه ویژه آن کشور ایجاد شود. اعضای این کارگروه شامل دو دسته از کشورها هستند:

۱) نمایندگان کشورهای عمده تجاری (۲) کشورهای ذینفع در پیوستن کشور متقاضی به سازمان تجارت جهانی. این کارگروه وظیفه رسیدگی به تقاضای عضویت، مدیریت مذاکرات مربوط به الحاق و تهیه پروتکل الحاقی، بررسی سیاست‌ها و عملکرد اقتصادی کشور میزبان را بر عهده دارد.

ارائه رژیم تجارت خارجی: در این مرحله کشور متقاضی باید یادداشتی در خصوص تدابیر و سیاست‌های تجارت خارجی خود به کارگروه ارائه نماید. محتوای این یادداشت باید شامل مواردی مانند جزئیات تعرفه‌های گمرکی، موانع تجاری غیر تعرفه‌ای، مقررات صادرات و واردات، سیاست‌های ارزی، مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی، مقررات مربوط به تجارت خدمات، مقررات مربوط به حمایت از حقوق مالکیت معنوی، اقدامات انجام‌شده برای آزادسازی اقتصادی و ... باشد.

پاسخ به سؤالات اعضا: کارگروه پس از دریافت یادداشت تدابیر و سیاست‌های تجاری خارجی کشور متقاضی، آن را بین تمامی اعضای سازمان توزیع می‌کند تا در صورتی که هر یک از اعضا سؤال یا توضیحی در خصوص این تدابیر و سیاست‌ها داشتند مطرح نمایند. کارگروه پس از جمع‌بندی تمامی سؤالات اعضا، آن را در اختیار کشور متقاضی الحاق قرار می‌دهد تا به صورت کتبی به این سؤالات پاسخ دهد. طبیعی است هر چه یادداشت تدابیر و سیاست‌های تجاری خارجی کامل تر باشد، سؤالات کمتری برای کشورها به وجود خواهد آمد.

تشکیل جلسات بررسی: در گام بعد، به‌منظور بررسی و تحلیل موضوعات مطرح‌شده در یادداشت و سؤالات، کارگروه تشکیل جلسه می‌دهد معمولاً. رئیس کارگروه دو تا چهار جلسه در سال برگزار می‌کند و در صورت درخواست کشور متقاضی می‌تواند جلسات فوق‌العاده نیز تشکیل دهد. در این جلسات مشکلات و معضلات مربوط به پیوستن کشور به سازمان مطرح و برای حل آنها تلاش می‌شود.

مذاکره های چندجانبه و دوجانبه با کشورها: در این مرحله کشورهای مهم تجاری و ذینفع اقدام به مذاکرات دو و چندجانبه با کشور متقاضی می‌نمایند. این مذاکرات عموماً پیرامون کاهش تعرفه است. در این مرحله کشور متقاضی باید حداقل سه جدول امتیازات را در مذاکره نهایی کند. این جداول عبارتند از: (۱) جدول کالاهای صنعتی، (۲) جدول کالاهای کشاورزی (۳) جدول تجارت خدمات

رای‌گیری: موضوع عضویت کشور متقاضی در سازمان باید در کنفرانس وزیران مطرح شود که هر دو سال یکبار انجام می‌شود. بر اساس موافقت‌نامه تأسیس سازمان برای عضویت یک کشور باید حداقل دو سوم اعضا با عضویت موافقت نمایند. با این وجود طبق رویه متعارف که از زمان گات معمول است برای این کار باید توافق جمعی وجود داشته باشد.

تنظیم پروتکل الحاقی: در نهایت برای عضویت یک کشور باید یک پروتکل تنظیم شود که پس از تأیید کشور متقاضی به موافقت‌نامه تأسیس سازمان پیوست گردد. در این پروتکل و ضمایم آن تعهدات کشور متقاضی، مشکلات و موانع مربوط به اجرای تعهدات، جداول امتیازات و توافقات مربوط به کاهش تعرفه‌ها ذکر می‌گردد.

### الف) الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و تاثیر آن بر گمرک کشور

یکی از سازمان‌هایی که نقش اساسی را در حوزه اقتصادی کشور ایفا می‌کند گمرک است نقش تعیین‌کننده گمرک در هدایت موثر و مطلوب جریان تجارت بین‌المللی و تامین جایگاهی شایسته برای کشورهای متبوع در عرصه بازرگانی جهانی باعث شده است تا دولت‌ها در جهت تسهیل امر تجارت جهانی به تجدیدنظر و بازنگری در قوانین و مقررات تجاری و رویه‌های گمرکی خود در پرتو سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی بپردازند پیوستن به سازمان تجارت جهانی یکی از اقداماتی است که

کشورها در جهت پیوست به بازار بزرگ جهانی انجام می دهند کشور ایران نیز یکی از کشورهایی است که خواستار ورود به این سازمان است. و در این روند اصلاحات سیستم گمرکی است گمرک ایران بعنوان اولین مجری مقررات تجارت خارجی، مرزبان اقتصادی و مهمترین شریک بخش تجارت، از جمله اولین و مهمترین سازمان هایی است که می بایستی در فرآیند الحاق به سازمان جهانی تجارت نقشفعالی ایفا بنماید و با افزایش توان و بنیه کارشناسی خود، آمادگی پاسخگویی به سوالات زیادی که متناسب با وظایف سازمانی آن مطرح می شود را در خود ایجاد می نماید.

همین امر انگیزه و مسئولیت را در تبیین آثار و الزامات ناشی از عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت دوچندان می سازد و ضرورت تشکیل یک کمیته کاری متشکل از کارشناسان خبره آگاه به مسائل و موضوعات گمرکی و مباحث سازمان جهانی تجارت را بررسی و پیگیری مسائل و موضوعات مرتبط با عضویت این سازمان خاطرنشان می سازد. البته آگاهی و شناخت صحیح از الزامات ناشی از عضویت در سازمان جهانی تجارت مستلزم و متفرع بر شناخت جایگاه گمرک ایران در اقتصاد و تجارت خارجی کشور و همچنین آگاهی و وقف بر قواعد و مقرراتی است که سازمان جهانی تجارت در ارتباط با موضوعات گمرکی وضع نموده است.

از این رو در ابتدا باستی شناخت کامل و جامعی از ساختار، ساز و کار، سیاست ها برنامه ها و بالاخره قوانین و مقررات حاکم بر امور گمرکی داشته باشیم. سپس ضمن آگاهی و شناخت کلی از سازمان جهانی تجارت در بخش عملیات گمرکی به دنبال خواهد داشت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

گمرک نهاد ضروری برای حکومت کارآمد، تامین درآمد، تسهیل تجارت و حفاظت از جامعه می باشد. این سازمان امور مربوط به جابه جایی کالا و مسافری را در سطح بین المللی مدیریت می کنند. دولت ها جهت به اجرا درآوردن مناسب برنامه ها و سیاست های مالی، اقتصادی و اجتماعی خود نیازمند سازمان گمرکی، کارآمد و موثر می باشد.

از این جهت فعالیت های گمرک در ارتباط مستقیم با اهداف و اولویت های دولت در موارد ذیل مانند: اخذ حقوق و عوارض گمرکی، حفاظت از سلامت و بهداشت جامعه، حمایت از صنایع و تولیدات داخلی، حفاظت های زیست محیطی، اعمال قوانین و مقررات تجارت خارجی، مشارکت در سیاست گذاری های تجاری، ارائه تسهیلات تجاری، حفاظت از آثار فرهنگی و تاریخی، مبارزه با قاچاق و تخلفات گمرکی، تهیه و ارائه آمار بازرگانی خارجی، حمایت از مخترعان و مبتکران (از طریق اجرای حقوق مالکیت فکری)، مبارزه با پولشویی یا تطهیر پول money laundering مبارزه با تروریسم و ((جرائم سازمان یافته فرا ملیتی (TOC))، (( اجرای کنوانسیون های متعدد بین المللی، مشارکت در همکاری های منطقه ای و بین المللی مشارکت می کند. (ایروانی، ۱۳۸۹)

لذا سازمان گمرک بعنوان یکی از عوامل اصلی زنجیره تجارت خارجی، گستره وسیعی از سیاست های دولت را به اجرا درآورده و تعامل با تعداد زیادی از وزارتخانه ها و سازمان ها و نهاد های دولتی قرار می گیرد.

از این رو موفقیت دولت ها در اجرای سیاست ها و برنامه های توسعه اقتصادی تا حدود زیادی به نقش و کارایی گمرکات آنان بستگی دارد.

بر این اساس ((گمرک)) وظیفه اعمال سیاست های دولت در زمینه صادرات، واردات، تشخیص تعرفه و اخذ وصولی های گمرکی، کنترل و نظارت بر امر ترانزیت کالا در قلمرو گمرکی، مبارزه با قاچاق کالا و تخلفات گمرکی، جمع آوری، پردازش و انتشار آمار بازرگانی خارجی، اجرای قانون امور گمرکی و آئین نامه آن و همچنین مقررات عمومی صادرات و واردات و سایر قوانین مرتبط را برعهده دارد.

به بیان دیگر ((سازمان گمرک)) از یک سو مسئول اجرای قوانین و مقررات پیچیده حاکم بر تجارت خارجی است و از طرف دیگر با توجه به الزامات موجود در تجارت بین الملل و استاندارد های جهانی در رابطه با ساده سازی رویه ها و تشریفات گمرکی، باید تاش خود را در جهت ایجاد تسهیلات تجاری بمنظور افزایش کارآیی نظام گمرکی و بازرگانی کشور معطوف نماید. (رشیدی، ۱۳۷۴)

سازمان تجارت جهانی سه موافقتنامه گات به روز شده و موافقتنامه عمومی تجارت خدمات GATS و موافقتنامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت معنوی TRIPS را در یک سازمان شامل می شود که یک مجموعه مقررات و یک سیستم واحد برای حل اختلافات در این سازمان وجود آورد. به طور خاصه سازمان تجارت جهانی امتداد ساده ای از گات نیست بلکه بسیار بیشتر از آن است. متن قدیمی گات، گات ۱۹۴۷ نامیده می شود و متن به روز شده آن گات ۱۹۹۴ نامگذاری شده است. اصول کلیدی گات را موافقت نامه های خدمات و مالکیت فکری تشکیل می دهد. این اصول شامل اصل عدم تبعیض، اصل شفافیت و اصل قابلیت پیشبینی هستند؛ در نتیجه سازمان تجارت جهانی به شکل کاملتری از درون گات بیرون آمد. (انصاری: ۱۳۹۲)

پیوستن به سازمان تجارت جهانی که شعار عمده و اصلی آن، آزاد سازی تجارت در سطح جهان است، موجب تغییر و تحولات عمده در مقررات گمرکی از حیث ورود کالا به کشور می شود زیرا در صادرات کالا هر کشوری ذینفع است ولی در واردات، ورود هر کالایی مستلزم رعایت منافع اقتصادی کشور مقصد نیست؛ لذا الحاق به سازمان بعضی از مقررات گمرکی را متحول می نماید که موافقت نامه های ناظر بر این نوع مقررات مورد توصیف قرار می گیرد.

پذیرش بیست و سومین درخواست جمهوری اسلامی ایران جهت عضویت در سازمان جهانی تجارت طلعه شروع فرایند الحاق به بزرگترین سازمان بین المللی موجود است که مناسبات تجاری چند جانبه بین المللی را مدیریت می نماید. از اینرو، طی موفقیت آمیز فرایند الحاق به سازمان جهانی تجارت از سویی مستلزم آگاهی و وقوف به قوانین و مقررات WTO و از سوی دیگر منوط به شناخت مزایای بالقوه و بالفعل بخشها و وزیر بخشهای اقتصادی کشورمان می باشد تا بر این اساس بتوان نوع امتیازات و تعهداتی که میتوانیم به صورت دوجانبه یا چند جانبه به سایر اعضای سازمان جهانی تجارت محقق می شود، مشخص گردد.

در این مسیر، گمرک ایران بعنوان اولین مجری مقررات تجارت خارجی، مرزبان اقتصادی و مهمترین شریک بخش تجارت، از جمله اولین و مهم ترین سازمان هایی است که می بایستی در فرایند الحاق به سازمان جهانی تجارت نقش فعالی ایفا بنماید و با افزایش توان و بنیه کارشناسی خود، آمادگی پاسخگویی به سوالات زیادی که متناسب با وظایف سازمانی آن مطرح میشود را در خود ایجاد نماید.

همین امر انگیزه و مسئولیت را در تبیین آثار و الزامات ناشی از عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت دو چندان میسازد و ضرورت تشکیل یک ((کمیته کاری)) متشکل از کارشناسان خبره آگاه به مسائل و موضوعات گمرکی و مباحث سازمان جهانی تجارت را جهت بررسی و پیگیری مسئله و موضوعات مرتبط با عضویت این سازمان خاطر نشان می سازد. البته آگاهی و شناخت صحیح از الزامات ناشی از عضویت در سازمان جهانی تجارت مستلزم و متفرع بر شناخت جایگاه گمرک ایران در اقتصاد و تجارت خارجی کشور و همچنین آگاهی و وقوف بر قواعد و مقرراتی است که در سازمان جهانی تجارت در ارتباط با موضوعات گمرکی وضع نموده است.

از این رو در ابتدا بایستی شناخت کامل و جامعی از ساختار، ساز و کار، سیاست ها و برنامه ها و بالاخره قوانین و مقررات حاکم بر امور گمرکی داشته باشیم، سپس ضمن آگاهی و شناخت کلی از سازمان جهانی تجارت ف تشکیلات و نحوه عملکرد

آن، کلیه ضوابط، مقررات و موافقتنامه های این سازمان که به طور مستقیم و غیر مستقیم بر روی سازمان گمرک ایران تاثیر می گذارند را مورد نقد و بررسی قرار داده و در نهایت تغییرات و تحولاتی که موضوع الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در بخش عملیات گمرکی به دنبال خواهد داشت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

### ب) آثار حقوقی پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت بر نظام بانکی

ایران به عنوان عضو ناظر سازمان جهانی تجارت که تابع اصول نظام بانکداری اسلامی است با توجه به اصول گتس مکلف است تا قبل از الحاق، مغایرت های حقوقی خود را در زمینه های مختلف بانکی مانند قوانین ومقررات بانکی شناسایی کرده و در جهت رفع این مغایرت ها اقدام کند.

اثر مثبت یا منفی حقوقی پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت بر نظام بانکی به عملکرد اقتصادی و حقوقی دولت ایران در جامعه بین المللی و نحوه انجام اصلاحات و برنامه ریزی های داخلی بر می گردد موافقت نامه عمومی تجارت خدمات (گتس) به عنوان موافقت نامه تنظیم کننده قواعد حاکم بر تجارت خدمات در سازمان جهانی تجارت به منظور تحقق اهداف اساسی خود از جمله آزاد سازی تجارت خدمات کشورهای عضو را به رعایت دو دسته تعهد ملزم ساخته است: یکی تعهدات عمومی شامل اصولی چون اصل دولت کامله الوداد، اصل شفافیت و مانند آن است و از آن جا که میزان التزام دولت ها به این اصول به یک اندازه است، التزام عمومی نامیده می شود. این دسته، جز تعهدات کلی بی قید و شرط (اصول غیر قابل انعطاف) قرار می گیرند. دسته دوم تعهدات، تعهدات خاص نام داشته و حاوی اصول دسترسی به بازار و رفتار ملی می باشند. نسبت به این اصول، امکان مذاکره برای باز نمودن محدودیت ها و استثنائاتی بر آن ها برای کشورهای در حال الحاق وجود دارد. این دو دسته جز مهم ترین تقسیم بندی ها هستند. کشورهایی که متقاضی الحاق به سازمان جهانی تجارت هستند باید سیاست های قانونی و اقتصادی خود را با این اصول (تعداد) منطبق سازند. این اصول یا تعهدات بر تمامی بخش های خدماتی از جمله خدمات بانکی حاکم اند. یکی از الزامات الحاق به سازمان جهانی تجارت، تطبیق مقررات داخلی کشور متقاضی الحاق با اصول و قواعد مندرج در موافقت نامه های سازمان مذکور است. قوانین و مقررات ایران در بخش بانکی با اصول گتس سازگاری دارند با این حال در قانون اساسی و قوانین عادی، ایین نامه ها، مواردی از مغایرت دیده می شود که جهت فراهم آوردن مقدمات الحاق به سازمان جهانی تجارت، قانون گذار ایرانی باید نسبت به اصلاح قوانین ناهماهنگ با اصول گتس در بخش های مختلف خدمات بانکی نظیر اصل ۸۱ قانون اساسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و ایین نامه تاسیس و عملیات شعب بانک های خارجی در ایران، اقدام نماید. باید توجه داشت این قوانین در صورت موافقت سایر اعضا به همین شکل می توانند به حیات خود ادامه دهند ولی با توجه به سیاست کلی حاکم بر سازمان جهانی تجارت و منافع اعضای سازمان مذکور، احتمال موافقت طرف های مذاکره با ابقای برخی از قوانین مذکور بعید است. هم چنین بانک مرکزی ایران باید با توجه به حضور رقبای قدرتمند خارجی که با کیفیت بالاتر و قیمت کمتر به ارائه خدمات بانکی می پردازند و با پرهیز از اعطای امتیازات تبعیض آمیز به عرضه کنندگان خدمات بانکی داخلی که فرصت رقابت را از سرمایه گذاران خارجی می گیرد (پس از الحاق کشور به سازمان جهانی تجارت بر اساس اصل رفتار ملی) با بستر سازی مناسب نظیر نوسازی امکانات نرم افزاری و سخت افزاری، زمینه ارتقای سطح کیفی خدمات بانکی کشور و ورود سرمایه گذاران و عرضه کنندگان خدمات خارجی در این بخش را فراهم سازد. در پایان با توجه به این ویژگی ها، پیشنهاداتی برای امکان حضور موثرتر ایران در سازمان جهانی تجارت در عرصه رقابت با رقبای خارجی مطرح می کنیم از جمله:



۱. گروه مذاکره کننده ایرانی برای وارد کردن استثنائات و محدودیت هایی بر اصول دسترسی به بازار و رفتار ملی در بخش خدمات بانکی این امتیاز را به نفع ایران در نظر بگیرد که تاسیس هر گونه شعبه باید در قالب سرمایه گذاری مشترک با طرف ایرانی باشد و برای سهم مشارکت طرف خارجی هم حداکثر سهم ۴۹ درصد قید شود. هم چنین سرمایه گذاران خارجی در حوزه بانکی موظف به آموزش بخش داخلی باشند. سرمایه گذاری و تاسیس بانک ها و شعب خارجی منوط به کسب مجوز از نهادهایی خاص مانند بانک مرکزی و احراز نیاز اقتصادی البته بدون تبعیض و رویه های دست و پا گیر باشد. هم چنین تا پنج سال پس از الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، قلمرو فعالیت بانک ها و موسسات مالی خارجی ۱ محدود به قلمرو جغرافیایی مشخص باشد (پور میرغفاری، ۱۳۹۲). در رابطه با آزاد سازی هدفمند و بهینه خدمات بانکی، برخی از انعطاف ها و امکانات موافقت نامه عمومی تجارت خدمات، باید مورد توجه قرار گیرد تا در صورت لزوم مورد استفاده تیم مذاکره کننده ایران قرار گیرد. در این خصوص باید گفت که مقررات گتس در برخی موارد، خلا ها یا حوزه های آزادی دارد که به اعضا اجازه می دهد بدون نقض تعهدات کلی و خاص خود، به وضع قوانین و مقررات و ایجاد رویه هایی برای حمایت از فعالان داخلی بپردازند. یکی از این موارد، توجه دقیق به تعریف نقض رفتار ملی در ماده ۱۷ موافقت نامه عمومی تجارت خدمات می باشد که این اصل را صرف نظر از برابر بودن یا نابرابر بودن رفتار دولت در قبال اشخاص خارجی با اشخاص داخلی، به هرگونه رفتاری قابل اطلاق می داند که شرایط رقابت را به ضرر خدمات و عرضه کنندگان خدمات خارجی بر هم بزند. پس می توان گفت که برگزاری جلساتی برای معرفی بازارهای هدف به بانک های داخلی، همایش های آموزشی برای ارتقای کارایی عملیات بانکی و ساختار بانک های داخلی، اعطای جوایز سالانه به بانک های کارآمد از دیگر ۲ و امثال این موارد برای تقویت بانک های داخلی، مغایرتی با تعهد رفتار ملی نخواهد داشت. مواردی که می تواند برای تقویت بانک های داخلی ایران مورد استفاده قرار گیرد، توجه بانک مرکزی به مساله انعقاد موافقت نامه های شناسایی و رویه های صدور مجوز تاسیس بانک، مقررات احتیاطی و موارد مشابه بر اساس ماده ۷ گتس است تا امکان فعالیت های برون مرزی و تاسیس شعب در سایر کشورها برای بانک های ایرانی تسهیل شود. پیشنهاد دیگر، انعقاد موافقت نامه های ادغام اقتصادی موضوع ماده ۵ گتس است. این موافقت نامه ها باید بر اساس مطالعات و تشخیص بانک مرکزی و وزارتخانه های اقتصادی، با کشورهایی منعقد شوند که بانک های داخلی در آن کشورها دارای مزیت رقابتی و توان جذب منابع و سرمایه گذاری قابل اعتنایی هستند یا امکان ایجاد چنین موقعیتی را خواهند داشت. از جهت سیاسی نیز مفادی از موافقت نامه عمومی تجارت خدمات (گتس) راه گشاست. (میرغفاری، ۱۳۹۳) به هنگام عضویت کشور متقاضی الحاق به سازمان جهانی تجارت ۱ مطابق ماده ۱۳ گتس (عدم اجرا) هر عضو سازمان می تواند مخالفت خود را با اجرای موافقت نامه اعلام کند و بدین ترتیب مقررات سازمان دولت ایران می تواند بر اساس ماده ۱۳ گتس ۲ جهانی تجارت میان آن دو کشور عضو قابل اجرا نیست. به جهت رعایت مصالح سیاسی از اجرای موافقت نامه در برابر دولت اسرائیل امتناع ورزد. هم چنین در ماده ای مشابه یعنی بند نخست ماده ۲۷ گتس، راجع به امتناع از اعطای مزایا آمده است: هر عضو می تواند از اعطای مزایای موافقت نامه حاضر برای عرضه یک خدمت به شرطی امتناع ورزد که ثابت نماید منشا خدمت مزبور در قلمروی یک دولت غیر عضو یا در قلمروی عضوی است که عضو امتناع کننده، موافقت نامه سازمان جهانی تجارت را در مورد آن عضو اعمال نمی کند. با توجه به مقدمات بیان شده و پیشنهادات مذکور، پیشنهاد می شود که تیم مذاکره کننده ایرانی در روند الحاق به سازمان جهانی تجارت با مطالعه دقیق جدول تعهدات خاص سایر کشورها به خصوص کشورهای تازه ملحق شده مانند چین، عربستان، روسیه، یمن، ویتنام، زمینه هایی که قابلیت وارد کردن استثنا را دارند شناسایی کرده و با مذاکرات هدفمند، سعی در حفظ قوانین موجود داشته باشند. تیم مذاکره کننده باید در جریان مذاکرات تلاش کند در راستای منافع

اقتصادی کشور عمل کند. باید به این موضوع توجه کرد که میزان موفقیت هر کشوری پس از الحاق به سازمان جهانی تجارت به نحوه عضویت و تنظیم جدول تعهدات خاص و نیز استفاده کامل از تمامی امکانات و حوزه هایی از گتس دارد که به دولت ها اختیار داده است اقدامات لازم را برای هدایت نظام اقتصادی خود و تنظیم آن به عمل آورند. پیش از الحاق به سازمان جهانی تجارت نیز باید مطالعات دقیق و جزئی در باب توان رقابت بانک های ایرانی انجام شود تا بر پایه آن میزان بهینه آزاد سازی در هر یک از بخش های خدمات بانکی مشخص و در مذاکرات الحاق بر اساس آن اقدام شود. به عنوان سخن پایانی باید گفت، فرایند آزاد سازی با توجه به اهداف سیاست ملی و سطح توسعه یکایک اعضا اعم از کلی یا در بخش های خاص انجام خواهد شد و برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران با توجه به مقررات سازمان جهانی تجارت این بستر فراهم شده است که به تدریج و بر اساس برنامه ریزی های صورت گرفته در حوزه های اقتصادی حقوقی و سیاسی به آزاد سازی تجاری در جهت همسویی با اقتصاد جهانی و رویه های بین المللی اقدام نمایند (امیدبخش، ۱۳۸۵)

### ج) آثار پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت بر بیمه

بیمه به عنوان یکی از عوامل مهم پیشرفت و توسعه اقتصادی همواره مد نظر کشورها در مسیر توسعه بوده است. در حقیقت بیمه برای تجارت و فرایند توسعه به اندازه ای مهم است که سازمان ملل در اولین اجلاس کنفرانس سازمان ملل برای تجارت و توسعه در سال ۱۹۶۴ به طور رسمی تصدیق کرد که "بازار بیمه ملی مناسب و بازار بیمه انکایی از خصوصیات لازم برای رشد اقتصادی است. (احمد مجتهد، "بیمه و فعالیت های اقتصادی"، فصلنامه بیمه مرکزی ایران، سال ۴، ش ۱، ص ۱۴).

بیمه به شکل سنتی آن به مفهوم وجود نوعی تعاون و همکاری اجتماعی در ایران سابقه ای بسیار طولانی دارد، ولی پیدایش نهاد بیمه در ایران به سده ۲۰ بر می گردد به طوری که گسترش و روند صنعتی شدن جامعه ایران موجب رواج و گسترش صنعت بیمه شد. (ترجمه و تالیف محمود باعجری و عباس اسفندیاری، "چالش های فراروی بیمه در ورود به WTO"، تازه های جهان بیمه، دی ۱۳۸۴، ش ۹۱، ص ۱۵).

با مروری به گذشته صنعت بیمه در ایران می توان دریافت که دوران شکوفایی این صنعت در زمانی است که شرکت های خصوصی بیمه در کنار بیمه های دولتی در راه اعتلای این رشته از فعالیت اقتصادی به تلاش پرداخته اند، ولی متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر شرکت های خصوصی منحل گشته و تنها ۴ شرکت بیمه دولتی برای ادامه فعالیت در بازار باقی ماندند. حضور این شرکت ها به مدت ۲۰ سال در واقع انحصاری را برای دولت در بخش بیمه ایجاد می کند که کاستی هایی را به همراه داشته است.

بالاخره در سال ۱۳۸۰ قانون تاسیس شرکت های بیمه خصوصی به منظور افزایش کارایی در بازار بیمه و... تصویب شد. بررسی آماری بیمه های موجود در کشور نشان میدهد که بیشترین سهم بازار متعلق به بیمه های اتومبیل و بیمه های درمانی است (حدود ۷۰ درصد). سهم بیمه های زندگی از بازار ایران بسیار محدود است در حالی که بازار بالقوه بزرگی در این بخش وجود دارد.

با توجه به مطالب مذکور و برای جذب بیشتر شرکت ها به استفاده از بیمه در اقدامات و فعالیت هایشان و با توجه به اینکه حق بیمه پرداخت شده هزینه قابل قبول از سوی وزارت اقتصاد و دارایی است، شرکت های بیمه با توجه به این موضوع می توانند مدیران کارخانه ها را به خرید بیمه تشویق کنند که بدین وسیله درآمد را کمتر نشان داده و مالیات پرداختی کاهش می یابد در

ضمن این کارخانه‌ها دارای پوشش بیمه نیز خواهند شد. (سعید صحت، "بررسی عوامل موثر بر تقاضای بیمه توسط شرکت‌ها"، فصلنامه صنعت بیمه، سال ۲۰، ش ۲، تابستان ۸۴، شماره ۷۸، ص ۵۶)

اگر طبق نظریات اکثر نویسندگان و متخصصان اقتصادی، الحاق به سازمان جهانی تجارت را یک هدف که در جامعه جهانی کنونی اجتناب از این موضوع امری غیر قابل اجتناب است، در جهت رسیدن به این هدف، با توجه به موانع مذکور در صفحات قبلی، باید راهکارهایی را ارائه داد که در اثر این الحاق صنعت بیمه داخلی در کشورهای در حال توسعه و از جمله آن‌ها ایران، علاوه بر کسب قدرت رقابت با سایر شرکت‌های بیمه‌ای موجود در سطح بازار داخلی، بتوانند در سطح بازارهای بیمه بین‌المللی نیز به رقابت بپردازند.

یکی از موارد قابل توجه که جزو اهداف سازمان جهانی تجارت نیز می‌باشد آزاد نمودن بازارها و به خصوص بازارهای مالی است. توسعه یک بازار آزاد برای ارائه خدمات مالی، از طریق گسترش فرآورده‌ها و سطوح خدماتی که جامعه مالی تجاری ارائه می‌کند، افزایش تجارت بین‌المللی کالا و خدمات را تسهیل می‌کند (پری میرزایی، همان، ص ۳۲). در بعد آزاد سازی به معنای اجازه بین‌المللی شدن بیشتر بازار بیمه داخلی به وسیله حضور شرکت‌های خارجی در بازار بیمه داخلی و همچنین اعطای مجوز به مشتریان داخلی برای خرید بیمه از بازارهای خارجی هنوز موفقیت چشمگیری در ایران حاصل نشده است.

آزادسازی تجارت خدمات به رغم منافع آن در برخی کشورها با تردیدهای زیادی مواجه است چرا که این بخش برای دولت‌ها اهمیت راهبردی دارد و این گمان وجود دارد که با آزاد سازی این بخش به نوعی حاکمیت دولت‌ها محدود و متزلزل می‌شود. برای آزاد سازی گام اول مقررات زدایی است که به معنای کاهش دامنه مقررات دولت در بازار بیمه است که از این رهگذر به نیروهای رقابتی و خودتنظیمی در بازار بیمه نقش بیشتری داده می‌شود.

تجربه نشان می‌دهد که هر کشور برای رسیدن به بازار آزاد بیمه مطلوب باید مراحل زیر را طی کند:

- ۱- افزایش مداوم آزادسازی بازار بیمه
- ۲- لغو واگذاری بیمه اتکایی اجباری به بیمه‌گر دولتی یا نهاد ناظر داخلی
- ۳- اعطای مجوز تهیه بیمه اتکایی
- ۴- اعطای مجوز به شرکت‌های بیمه خارجی برای کسب سهام غیر عمده در شرکت بیمه داخلی
- ۵- اعطای مجوز به شرکت‌های بیمه خارجی برای کسب سهام عمده در شرکت بیمه داخلی
- ۶- اعطای مجوز تاسیس شعبه به شرکت‌های بیمه خارجی
- ۷- اعطای مجوز به شرکت‌های بیمه داخلی برای عرضه بیمه در خارج از مرزها
- ۸- اعطای مجوز به مشتریان داخلی برای خرید بیمه خارجی
- ۹- ایجاد ارتباط متقابل تدریجی بین آزاد سازی بیمه‌های بازرگانی و مقررات زدایی و اصلاح نظام تأمین اجتماعی
- ۱۰- اصلاح نظام تأمین اجتماعی ملی
- ۱۱- تبدیل نظارت تعرفه‌ای به نظارت مالی
- ۱۲- به کار گیری نیروی انسانی متخصص و کارا ۱۳- تقویت مدیریت دارایی‌ها و استفاده بهینه تر از دارایی‌های موجود در شرکت‌های بیمه‌ای.

در کل همانطور که قبلا نیز بدان اشاره گردید، می توان گفت که مهم ترین عامل در عقب ماندگی صنعت بیمه در کشور های در حال توسعه، عدم بهره گیری از نیروی انسانی متخصص و کارا است که در برخی موارد حتی از مفاد بیمه ای برای ارایه به مشتری اطلاعات کاملی ندارند.

یکی از مهم ترین راهکارها در آزاد سازی و همچنین بهبود وضعیت موجود برای صنایع کشور های در حال توسعه و به طور خاص صنعت بیمه این کشور ها ایجاد بازار آزاد منطقه ای است که در مطالعات مربوط به سازمان جهانی تجارت از آن به عنوان یکی از راهکارهای مهم در پیشرفت اقتصادی کشورها یاد شده و مخالفتی با ایجاد این گونه اتحادیه های منطقه ای نشده است. در زمینه صنعت بیمه و در منطقه خاورمیانه موسسه بیمه اکو فعالیت می کند که وابسته به سازمان منطقه ای اکو می باشد. یکی از مهم ترین اهداف این سازمان رفع مهم ترین معضل صنعت بیمه یعنی عدم حضور نیروی کار متخصص می باشد.

صنعت بیمه باتوجه به تجمیع سرمایه های به دست آمده از حق بیمه های پرداختی، خود یکی از مکانیسم های ضروری در توسعه بازارهاست. از طرفی نیز با ایجاد امنیت و اطمینان برای فعالیت های خدماتی و تولید روند سازندگی، پیشرفت و ترقی را در جامعه فراهم می کند. اکنون باتوجه به تحولات ناشی از پدیده جهانی شدن، اهمیت تجارت خدمات و مذاکرات مربوط به آزادسازی خدمات دوچندان شده است. ایران نیز از جمله کشورهایی است که می توان گفت پیوستن آن به WTO بر شاخص نفوذ بیمه ای کشورهای غیرعضو تاثیر مثبت دارد، اما بر کشورهای عضو در زمان بعد از عضویت به نسبت قبل از عضویت تاثیری ندارد. (اخلاقی، ۱۳۵۲)

باتوجه به تحقیقات صورت گرفته در تاثیر عضویت در سازمان جهانی تجارت بر حق بیمه های دریافتی و از آنجا که شاخص نفوذ بیمه عبارت است از نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی ضربدر ۱۰۰، پس با افزایش حق بیمه، از طرفی صورت کسر افزایش می یابد. و از طرف دیگر مخرج نیز افزایش می یابد زیرا تولید خدمات در تولید ناخالص داخلی احتساب می شود ولی صورت کسر بیشتر از مخرج افزایش می یابد. به همین دلیل عضویت در سازمان جهانی تجارت بر عملکرد صنعت بیمه در زمان بعد از عضو شدن اثر چندانی ندارد. (آخوندی، ۱۳۷۳).

از طرفی می توان تاثیر پیوستن به WTO را بر حق بیمه های دریافتی ناشی از فعالیت های اقتصادی پویایی اقتصاد به دلیل افزایش مبادلات داخلی و خارجی دانست. چراکه با عضویت در این سازمان مرزهای اقتصادی شکسته می شود و صنایع مختلف کشور ها به جای رقابت های داخلی وارد رقابت های جهانی می شوند و این مستلزم این است که از تمام نیرو های بالقوه و پتانسیل های موجود به نحو احسن استفاده کنند و بخش بیمه با فعالیت های دیگر اقتصادی هماهنگ شود.

از آنجا که صنعت بیمه در ایران دچار ضعف هایی است که از جمله آن ها نحوه عرضه آن را می توان نام برد، لذا پیشنهاد می شود که:

-صنعت بیمه در ایجاد تنوع پوشش های بیمه ای تلاش کند.

-قوانین محدود کننده از سر راه این صنعت برداشته شود و آن را قابل رقابت با رقبای خارجی کند.

-مطالعات بیشتری در این زمینه انجام گیرد و تحقیق شود که کشور های پیشرفته چه مسیری را طی کرده اند که در حال حاضر به وضیت فعلی رسیده اند و با توجه به شرایط موجود، ایران باید چه مراحل را سپری کند تا در این صنعت موفق شود. برنامه ریزی های لازم برای استفاده بهینه از منابع مالی مانند حق بیمه های دریافتی، برای سرمایه گذاری مناسب به منظور پیشرفت اقتصادی به عمل آید.

**د) تاثیر الحاق به WTO بر امنیت اقتصادی**

فرآیند جهانی شدن امروز در سطح بین‌الملل به طور جدی از جانب سازمان ملل متحد و سازمانهای تخصصی وابسته به آن مورد حمایت قرار گرفته و به پیش برده می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهایی است که همانند سایر اقتصادهای ملی خواسته یا ناخواسته به سمت اقتصاد جهانی رانده می‌شود. عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی می‌تواند تاثیر گسترده‌ای بر اقتصاد کشور و امنیت ملی داشته باشد. همچنین اهمیت تجارت خارجی در فرآیند توسعه اقتصادی، از طریق تاثیرگذاری صادرات بر دامنه وسیعی از متغیرهای اقتصادی هم در سطوح کلان و هم در سطوح خرد اقتصاد، نمود پیدا می‌کند. بنابراین تجارت خارجی و منطقه‌ای یک ابزار اساسی است که علاوه بر نقش موثر اقتصادی خود بر جامعه و ارتقای جایگاه یک کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی، می‌تواند بر سایر شئون زندگی آحاد یک جامعه نیز عمیقا موثر باشد. (آل اسحاق، ۱۳۹۰: ۲)

با امعان به مبانی نظری مطرح شده و واقعیت حاکم بر روابط بین‌المللی از جمله ادغام اقتصادهای منطقه‌ای در اقتصاد جهانی، جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای خلیج فارس بر سر دو راهی تعارضات منطقه‌ای و تعمیق ثبات و توسعه منطقه‌ای با انگیزه بومی می‌توانند در چارچوب مجموعه امنیتی RSC و مکانیزم تعمیق مناسبات اقتصادی و گسترش مبادلات تجاری درون منطقه‌ای جهت همگرایی، راهی میانبر برای ایجاد منافع مشترک و تعمیق امنیت پایدار انتخاب نمایند. اساسا در دوران نوین می‌توان نشانه‌هایی را ملاحظه کرد که به موجب آن، کارکرد قدرت در امنیت سازی، کاهش و با رویش هنجارهای نو در مناسبات بین‌المللی، اقتصاد-تجارت و دیگر عوامل غیر نظامی، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند، زیرا منافع متعارض و ناهمگون، مانع مشارکت موثر در روند امنیت‌سازی است، و از آنجایی که همگام با حاکمیت یافتن روندهای اقتصادی در فضای بین‌المللی، رژیم‌های سیاسی فرامرزی جدیدی همچون سازمان جهانی تجارت WTO، سازمان جهانی محیط زیست، کنوانسیونهای متعدد جهانی زیست محیطی و... رشد کرده‌اند، علاوه بر این سازمانهای قدیمی‌تری همچون گروه-۸ و اخیرا شکل‌گیری گروه-۲۰، سازمان اقتصادی و توسعه و حتی سازمان ملل متحد نیز به مراتب واقع‌گرایانه‌تر شده و لزوم پذیرش تحولات تازه را گردن نهاده‌اند. (آل اسحاق، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۱) احساس ضرورت وجود امنیت در ابعاد مادی و معنوی بسیار ساده و آسان است و اساسا کسی را نمی‌توان یافت که منکر این معنای ضروری برای حیات بشر در عرصه فردی و اجتماعی و همچنین ملی و بین‌المللی باشد اما در مقام تبیین، تشریح و تحلیل این موضوع بسیار متنوع و پیچیده است به همین دلیل واژه امنیت دارای مفهومی سهل و ممتنع است. بطور کلی سه محیط متداخل امنیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، وضعیت نهایی امنیت ملی جوامع را مشخص می‌کند. اما مقوله جهانی شدن یکی از متغیرهای پیچیده و نوپدید است که از اواسط دهه ۸۰ میلادی در قلمرو امنیت ملی و در حوزه بین‌المللی آن مطرح گشته و تحلیل‌های این حوزه را به نحو شگفت‌آوری تحت تاثیر قرار داده است. الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی WTO، می‌تواند بر امنیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از شاخص‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیر داشته باشد و الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی WTO، بر امنیت نظامی و امنیت عمومی و اجتماعی از شاخص‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیر ندارد.

**ه) تاثیر پیوستن به سازمان جهانی بر تولیدات داخلی صادرات**

با توجه به اهمیت رشد و توسعه تجارت در اقتصاد و همچنین افزایش تعداد کشورهای ملحق شده به سازمان تجارت جهانی، بررسی الحاق ایران به WTO و تأثیر آن بر بخشهای مختلف اقتصادی تولیدات داخلی صادرات، ضروری است. از آن جایی که

ایران به دلیل داشتن ذخایر فراوان نفت و گاز می‌تواند به تولید کالاهایی روی آورد که به انرژی بیشتری نیاز دارند، می‌توان از یک سو تولید برق را به عنوان یکی از این کالاها در نظر گرفت و از سوی دیگر برق را به عنوان انرژی ثانویه، یکی از عوامل تولید به حساب آورد که به نوبه خود می‌تواند تولید کالاهای نیازمند الکتریسیته را افزایش دهد. بنابراین با الحاق ایران به این سازمان و افزایش آزاد سازی اقتصادی و خصوصی‌سازی، تولیدات داخلی صادرات که به صورت سنتی و مدیریت متمرکز دولتی است تحت تأثیرات زیادی از قبیل تغییرات نحوه مدیریت، افزایش مبادلات خارجی و... قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب به منظور حداقل‌سازی زیانهای ناشی از پیوستن به WTO بر تولیدات داخلی صادرات بهتر است نحوه تأثیر جهانی شدن بر تولیدات داخلی صادرات مورد بررسی قرار گیرد تا درک روشنی از وضعیت این صنعت داشته و اثرات الحاق ایران به WTO را بر آن بررسی کنیم.

تحت تأثیر الحاق کشور به WTO و به دلایلی چون افزایش رقابت، رفع موانع در واردات تجهیزات، استفاده بیشتر از استاندارد و گسترش مبادله، می‌تواند برق بیشتری تولید شود که این امر منجر به گسترده‌تر شدن دامنه فعالیت شرکت‌های توزیع خواهد شد. در این راستا تفکیک تولید، انتقال و توزیع و استقلال این شرکتها و رقابت شدیدتر تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان فراهم خواهد شد. ارتباط متقابل الکتریکی فعلی ایران با جمهوری آذربایجان، ترکیه، ارمنستان و ترکمنستان گذشته از مزایای متقابل اقتصادی - فنی، موجب پایداری بیشتر شبکه و کاهش سرمایه‌گذاری تولید می‌شود. گرچه این مبادله هنوز ناچیز است اما در برنامه‌ریزی برای آینده، علاوه بر اختلاف پیک روزانه و فصلی، تفاوت قیمت انرژی در ایران و کشورهای همسایه و کشورهای دورتر، و نیز تفاوت سطح رشد صنایع زیربنایی در توسعه صادرات برق کمک خواهد کرد.

در تجارت جهانی، مبحث برق از ابعاد مختلفی مطرح می‌باشد. این ابعاد را می‌توان به صورت خلاصه چنین بیان نمود: تفاوت بین کالای برق و خدمات برق، ارتباط مباحث مربوطه با سایر انرژی‌ها به ویژه نفت و گاز، پیوند با مسایل رفاه عمومی و امنیت اجتماعی به عنوان کالای استراتژیک، تأثیر یارانه برق بر حمایت از کشاورزی و صنعت، تقویت سرمایه‌گذاری در برق و غلبه بر مقاومت آن در منطقه مالکیت دولتی، رعایت استانداردهای کاهش آلودگی و حفظ منابع طبیعی.

هر یک از موارد یاد شده از نظر مقررات و دیدگاههای موجود در سازمان تجارت جهانی قابل بررسی است. در زمینه دیدگاههای مربوط به تفکیک جنبه کالایی برق، برق به عنوان یک کالا در محدوده گات ((GATT قرار می‌گیرد، اما توزیع و انتقال آن و نیز بسیاری از فعالیت‌های جنبی تولید، تحت پوشش مقررات موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات واقع می‌شود. گرچه برخی از فرآورده‌های انرژی مشخصاً در مقوله کالایی قرار می‌گیرد، اما در مورد الکتریسیته موضوع پیچیده است. شاید عدم قابلیت ذخیره‌سازی الکتریسیته عاملی بوده است که طراحان گات را به این نظر سوق داده است که نیروی برق را نمی‌توان به عنوان کالا طبقه‌بندی کرد. اما بعداً بیشتر طرفهای تجاری گات، برق را کالا در نظر گرفتند و بعضی از آنها روی آن الزام تعرفه‌ای نیز وضع کردند (قرباغی، ۱۳۸۲)

در سیستم تعریف و کدگذاری هماهنگ کالا تهیه شده توسط سازمان حقوق گمرکی جهانی انرژی الکتریکی همراه با سایر حامل‌های انرژی نظیر زغال سنگ، گاز و نفت، در طبقه‌بندی کالا قرار گرفته است. هر چند علیرغم سایر حامل‌های انرژی، اعضای سازمان مذکور مجبور نیستند حتماً برق را به صورت یک کالای مشمول موارد تعرفه‌ای طبقه‌بندی کنند. با توجه به ماهیت انتخابی عنوان انرژی الکتریکی در تقسیم‌بندی HS برخی از کشورها آن را نه کالا، بلکه خدمت محسوب می‌کنند. به هر حال در حوزه اقتصاد، جهانی شدن به یکپارچگی و ادغام اقتصادهای ملی با گسترش تجارت و اقتصاد بازار آزاد دلالت می‌کند. اما به طور کلی کشورهای درحال توسعه بخشی از درآمدهای خود را صرف حمایت و پرداخت یارانه به کالاهای

صادراتی می‌کنند که موجب غیرواقعی شدن قیمت‌های نسبی و از بین رفتن رقابت واقعی بین کالاهای صادراتی می‌شود. با الحاق به WTO، دخالت دولت در مکانیسم بازار کاهش می‌یابد و مداخلاتی همچون وضع یارانه محدود می‌شود و قیمت‌های بازار به قیمت‌های واقعی نزدیک خواهد شد. بنابراین بحث مهم در فرآیند الحاق به سازمان WTO قدرت رقابت پذیری صنایع نسبت به بازار جهانی است. در این زمینه مزیت‌های موجود در هر کشور می‌تواند تعیین کننده قدرت رقابت پذیری کشور در عرصه بین‌المللی باشد. کشور ایران با توجه به دارا بودن مزیت منابع طبیعی در بخش انرژی نظیر گاز و نفت می‌تواند در صنایع انرژی‌بر از قدرت بالای رقابتی در برابر کشورهای دیگر برخوردار باشد.

برای اندازه‌گیری جهانی شدن متغیرهای گوناگونی به عنوان شاخص مطرح شده است. شاخص جهانی شدن می‌تواند به صورت ترکیبی از چندین مؤلفه شامل جهانی شدن تجارت کالاها و خدمات، جهانی شدن مالی و جهانی شدن اینترنتی باشد. همچنین ممکن است شاخص‌های آزادی اقتصادی و یا سهم صادرات و واردات از تولید ناخالص داخلی به عنوان سایر معیارهای جهانی شدن مورد استفاده قرار گیرد.

با توجه به اینکه رویه‌های صدور مجوز ورود یکی از مصادیق جدی موانع غیر تعرفه‌ای به شمار می‌رود و نیز از آنجاکه شمار قابل توجهی از کشورهای درحالتوسعه در راستای نیازهای تجاری، توسعه‌ای و مالی خاص خود از رویه‌های صدور مجوز ورود استفاده می‌کنند، برای آنکه استفاده از این رویه‌ها به گونه‌ای مغایر با اصول تعهدات گات ۱۹۹۴ صورت نگیرد، تعهدات کشورهای استفاده‌کننده عضو از این رویه‌ها در چارچوب موافقت‌نامه رویه‌های صدور مجوز ورود تعیین شده است.

این موافقت‌نامه حاوی این نکته است که رویه صدور مجوز باید ساده، شفاف و قابل پیش‌بینی باشد. به‌عنوانمثال، موافقت‌نامه از کشورها می‌خواهد که اطلاعات کافی در مورد نحوه اعطای پروانه واردات برای تجار منتشر کنند. این موافقت‌نامه همچنین مقرر می‌دارد که دولت‌ها باید سازمان جهانی تجارت را از تغییر رویه موجود و یا معرفی رویه جدید جواز واردات مطلع سازند. در همین راستا هیاتوزیران به‌موجب مصوبه شماره ۹۹۵۶۲/ت ۳۷۱۷۸ ه مورخ ۱۳۸۶/۶/۲۱ مفاد ماده ۴ آیین‌نامه قانون مقررات صادرات و واردات را به شرح ذیل اصلاح نمود: «وزارتخانه‌ها و سازمانهای مسئول تعیین ضوابط، مقررات و استانداردهای صدور گواهی بهداشت انسانی، دامی و نباتی که برای ترخیص و ورود کالا رعایت آنها ضرورت دارد موظف هستند بدون در نظر گرفتن موافقت یا مخالفت خود با ورود یا صدور کالا، ضوابط یادشده را به وزارت صنعت معدن و تجارت اعلام نمایند و وزارت یادشده به‌صورت عام با انتشار در رسانه‌های گروهی به اطلاع واردکنندگان، صادرکنندگان و سازمانهای اجرایی برسانند، در غیر این صورت وزارتخانه یا سازمان مسئول نمی‌تواند از ترخیص کالاهایی که ضوابط آن را اعلام نکرده است جلوگیری نماید.

در این موافقت‌نامه صدور مجوز به‌عنوان رویه اداری مورد استفاده برای رژیم‌های صدور مجوز ورود تعریف شده است که مستلزم تسلیم درخواست یا سایر اسناد به دستگاههای اداری مربوطه می‌باشد. در موافقت‌نامه، اعضاء تضمین کرده‌اند که به‌منظور جلوگیری از انحراف در تجارت هک ممکن است از اعمال نامناسب این رویه‌ها ایجاد شود، رویه‌های اداری مورد استفاده برای صدور مجوز ورود را با در نظر گرفتن اهداف توسعه اقتصادی و نیازهای مالی و تجاری کشورهای درحالتوسعه عضو به ترتیبی که در موافقت‌نامه تفسیر شده انطباق دهند.

به‌طور کلی و براساس تعاریف به‌عمل آمده در این موافقت‌نامه، رویه‌های صدور مجوز ورود به دودسته تقسیم می‌شوند:

۱- رویه‌های صدور مجوز خودکار (Automatic Import Licensing) این رویه‌ها، از آن دست رویه‌هایی هستند که بر واردات کالاهای مشمول مجوز، اثرات محدودکننده تجاری نداشته باشند. یعنی اینکه هر شخصی که الزامات حقوقی مربوطه را

برای فعالیت در عملیات وارداتی محصول مشمول مجوز رعایت کند، واجد شرایط برای درخواست و اخذ مجوز ورود باشد و همچنین درخواست‌های مجوز را در هرروز کاری بتوان تسلیم نمود تا مجوز ورود فوراً و حداکثر در ده روز کاری صادر شود.

۲- رویه‌های صدور مجوز غیر خودکار: (Non- Automatic Import Licensing) هرگونه رویه خارج از دامنه تعریف رویه‌های صدور مجوز خودکار، آن را در زمره رویه‌های غیر خودکار قرار خواهد داد.

کلیه اعضا تشویق و ترغیب شده‌اند در صورت لزوم از رویه‌های صدور مجوز خودکار استفاده به عمل آورند. همچنین پاسخ به تقاضاهای مجوز ورود غیر خودکار نبایستی از ۳۰ روز تجاوز کند؛ و نیز در این رویه‌ها چنانچه محدودیت‌های مقداری و سهمیه اعمال می‌شود، باید میزان تخصیص این سهمیه‌ها به کشورهای ذینفع اطلاع داده شود و در تخصیص سهمیه‌ها توجه لازم به مقادیر اقتصادی و امکان واردات از منابع دوردست صورت گیرد. (بیدآبادی، بیژن (۱۳۸۷)، سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران (پیش‌نیازهای اصلاح ساختار کشور)، تهران، انتشارات گیتی هنر)

ماده ۸ قانون مقررات صادرات و واردات و ماده ۵ آئین‌نامه اجرایی آن ورود کلیه کالاهای قابل ورود را موکول به ثبت سفارش و اخذ مجوز ورود از وزارت بازرگانی با رعایت سایر مقررات نموده است. (ماده ۸ قانون: واردکنندگان کالاهای مختلف اعم از دولتی و غیردولتی جهت اخذ مجوز ورود و ثبت سفارش باید منحصراً به وزارت بازرگانی مراجعه نمایند).

ماده ۵ آئین‌نامه: « با توجه به مفاد مواد (۱) و (۸) قانون مقررات صادرات و واردات که از این‌پس به‌اختصار قانون نامیده می‌شود ورود کلیه کالاهای قابل ورود اعم از اینکه واردکننده از بخش دولتی یا غیردولتی باشد به‌استثنای موارد زیر موکول به ثبت سفارش و اخذ مجوز ورود از وزارت بازرگانی با رعایت سایر شرایط مقرر خواهد بود.

از آنجاکه ثبت سفارش طبق مواد فوق الزامی است و برای چنین ثبتی و دیعه اخذ می‌شود، این اقدام علاوه بر موافقت‌نامه صدور مجوز ورود، می‌تواند از لحاظ ماده ۱۱ گات نیز اقدام محدودکننده واردات تلقی گردد. (دفتر نمایندگی تامالاختیار تجاری (۱۳۸۷)، گزارش رژیم تجاری خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران) علاوه بر موارد فوق مطابق ماده ۳ قانون مقررات صادرات و واردات مبادرت به امر صادرات و واردات کالا به‌صورت تجاری مستلزم داشتن کارت بازرگانی است. شرایط لازم برای صدور کارت بازرگانی در ماده ۱۰ آئین‌نامه اجرایی این قانون تعیین شده است. به‌موجب بند ۲ ماده ۱۰ این آئین‌نامه کارت بازرگانی توسط اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به نام متقاضیانی که واجد شرایط لازم باشند برای مدت یک سال با رشته فعالیت خاص حسب درخواست متقاضی صادر که پس از تأیید توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت معتبر خواهد بود. برخی از این شرایط که می‌تواند جنبه محدودکننده داشته باشد عبارت است از: داشتن حداقل ۲۳ ماده ۱۲۷ قانون امور گمرکی: «ورود و ترخیص کالاها تحت هر یک از رویه‌های گمرکی که بنا به ملاحظات سال سن، داشتن حداقل مدرک دیپلم یا موارد جایگزین از جمله سه سال سابقه فعالیت در زمینه تجارت با تشخیص اتاق‌های بازرگانی، داشتن محل کسب متناسب با فعالیت، داشتن گواهی حضور و موفقیت در دوره‌های توجیهی و غیره. همچنین تودیع سپرده طبق ماده ۴۱ آئین‌نامه اجرایی (ماده ۴۱ آئین‌نامه اجرایی: « ورود کالا به‌صورت تجاری منوط به گشایش اعتبار در بانک می‌باشد (.) « جهت گشایش اعتبار برای ورود کالا نیز می‌تواند جنبه محدودکننده واردات داشته باشد.

در ایران غالب مجوزهایی که برای واردات برقرار می‌شود، محدودکننده می‌باشد. وضع مجوز برای هر ردیف یا گروه کالا، به‌منزله آن است که ورود آن ردیف یا گروه از کالا به دلایل اقتصادی (حمایت از تولیدکننده و مصرفکننده) مستلزم بررسی و اعمال ضوابط خاصی تا حصول اطمینان از ساخت یا عدم ساخت یا تولید در داخل، همچنین سقف و میزان معینی که باید هنگام ورود رعایت شود، می‌باشد. به‌ندرت اتفاق می‌افتد که وضع مجوز به‌منظور جلوگیری از واردات کالاهای باکیفیت نازل صورت



گیرد. در صدور مجوزهای ورود برای کالاهای به اصطلاح مشروط طبق ماده ۱ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ و ماده ۲ آئین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات و مصوبه شماره ۵۹۱۷۴/ت/۲۱۰۹۲ هیأت وزیران مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۳ قریباً در مورد تمامی کالاهای مشروط اجازه وزارت بازرگانی مورد نیاز است و وزارتخانه های دیگر نظیر وزارتخانه صنایع، کشاورزی، معادن، دفاع، بهداشت درمان و آموزش پزشکی، نفت و مشابه آن در موارد مختلف می توانند اقدام به صدور مجوز ورود نمایند. مجوزهایی که برای صادرات برقرار می شود، بیش از هر چیز به حمایت دولت از مصرفکنندگان داخلی اعم از واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی و مصرفکنندگان عادی که کالا را مستقیماً برای رفع نیازهای روزمره استفاده می کنند مربوط می شود. در ایران علاوه بر وزارت صنعت، معدن و تجارت که همچون مورد واردات بیشتر مجوزها را در اختیار دارد. وزارتخانه های کشاورزی، بهداشت و درمان آموزش پزشکی نیز مرجع صدور مجوزهای صادرات می باشند. بهداشتی، قرنطینه ای، ایمنی و زیست محیطی و نظایر آن براساس قانون مستلزم اعلام نظر سازمانهای مربوطه می باشد، موکول به اخذ گواهی از این سازمانها است.

### آثار حقوقی الحاق ایران

عضویت کامل ایران در سازمان بیش از هر چیز، آثار خود را در قلمرو اقتصادی ایران بروز خواهد داد. ایران از موانع بزرگی برای ایفای نقش در سازمان رنج می برد:

انحصارات گسترده دولتی موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای، اعطای یارانه های دولتی و سیاست های وارداتی بجای صادراتی از جمله این موانع هستند عضویت ملازمه با تغییر و تحولات بنیادی در این زمینه ها دارد. در مورد انحصارات دولتی، آمار چنین نشان می دهند که حدود ۸۰٪ از صنایع ایران دولتی است و از ۲۰ درصد باقیمانده، بخش عمده ای از آن زیر نظر سازمانها و مؤسسات و نهادهای عمومی فعالیت می کنند. مسایل مالی، ساختاری و مدیریتی در صنایع دولتی باعث شده تا سطح کارایی تنزل یافته و از انعطاف پذیری ناچیزی برخوردار باشد. روند خصوصی سازی با طی برنامه های اول، دوم و سوم پیشرفت مطلوبی نداشته و از حجم تصدی گری دولت نکاسته است. سیاست های کلی نظام در ارتباط با بندهای (الف)، (ب) و (ج) اصل ۴۴ قانون اساسی و ابلاغ آن به دولت هنوز جدی گرفته نشده است. موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای دولت برای حمایت از صنایع داخلی با ساختار سازمان سازگاری ندارد و مستلزم تغییرات در اقتصاد بسته ایران است. اعطای یارانه های دولتی که به منظور رقابتی کردن محصولات داخلی به خارجی و حمایت از تولیدکنندگان داخلی و کمک به اقشار آسیب پذیر از بدو انقلاب اسلامی ایران تاکنون در برنامه دولت قرار دارد با اصول سازمان همخوانی ندارد زیرا زمینه ساز تجارت ناعادلانه به حساب می آید. اصل رقابت عادلانه که از اصول حاکم بر سازمان است در قاموس اقتصادی ایران، هنوز ناشناخته مانده و در جامعه ما ارزش تلقی نمی شود. واقعیت های موجود در بازارهای بین المللی حکایت از این دارد که اصل را باید بر رقابت عادلانه گذاشت. روند جهانی شدن اقتصاد و تجارت گویای این مطلب است که تنها تولیدکنندگانی در صحنه باقی می مانند که به وسعت دنیای کنونی بی اندیشند.

(اخلاقی، ۱۳۸۵: ۱۹۹)

## نتیجه‌گیری

به گفته اقتصاددانان کشورها، در فرایند جهانی سازی بازارهای کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، به هم پیوند خورده است. ۱۴۵ کشور که بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی را در دست دارند و ۲۵ کشور دیگر که منتظر پذیرش در سازمان تجارت جهانی هستند، با هم امتیازاتی را مبادله کرده‌اند که کار اقتصادی و بازرگانی را برای کشورهای خارج از این توافقات (از جمله ایران) سخت تر کرده است. این کشورها موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، سهمیه‌بندی و ممنوعیت‌ها را به شدت کاهش داده‌اند. آمار چنین نشان می‌دهد که امروز متوسط تعرفه در سطح جهانی شدن تنها ۳٫۶ درصد است در حالی که بیش از ۲۰ درصد تجارت جهانی از هرگونه تعرفه معاف است. روند جهانی شدن تجارت و شکوفایی آن تا به حدی که امروزه ما شاهد هستیم، طی پنجاه سال و با تلاش و کوشش جمعی دولت‌ها به دست آمده است، نباید و نمی‌توان این گونه تحولات را صرفاً ناشی از سیاست‌های استکباری و استعماری و در جهت تامین مصالح کشورهای صنعتی و شرکت‌های فراملی ارزیابی کرد. سیاست تکروی و انزوا طلبی در جهان کنونی دیگر کاربردی ندارد و همه باید تلاش کنیم تا کشورها، با این امکانات وسیع و موقعیت چشمگیر جغرافیایی سیاسی، هرچه زودتر از انزوا خارج شده به جرگه کشورهای اثرگذار در قلمرو اقتصاد و تجارت بپیوندیم و به جای آثار منفی، به آثار مثبت آن بیندیشیم. همانگونه که پیشتر بیان شد یکی از الزامات الحاق به سازمان جهانی تجارت مطابقت قوانین داخلی کشور با مقررات این سازمان است. تراکم قوانین و مقررات در حقوق ایران ارزیابی روشنی از برخورد احتمالی قوانین، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و... را با ابهام و سختی مواجه ساخته است. برخی قوانین کلان مانند قانون تجارت و اصلاحات بعدی آن، چنان با کاستی‌ها و ابهامات بسیاری درگیرند که دیرزمانی است که از قافله تحولات شتابند اجتماعی جامعه ایرانی فاصله شگرف اختیار نموده‌اند تا چه رسد به پیشرفت‌های شتابند اقتصاد جهانی و مقتضیات آنکه بناست در چارچوب سازمان جهانی تجارت خود در زیر یک چتر هماهنگ شود. قوانین دیگر مانند قانونهای برنامه پنج‌ساله توسعه، قانون بورس اوراق بهادار که با دهها آیین‌نامه، بخشنامه، دستورالعمل، امیدنامه همراه گردیده، بدون نگاه به احتمال پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت وضع گردیده و می‌گردند. قانون مقررات صادرات و واردات به‌عنوان شاخص‌ترین قانون در عرصه تجارت خارجی کشور خودنمایی می‌کند و بیشترین ارتباط را با مقررات سازمان جهانی تجارت دارد. بخش‌هایی از این قانون هم در تعارض با مقررات این سازمان است که بیشترین تعارض آن در سه حوزه حمایت از تولیدات داخلی، اعمال محدودیت‌های وارداتی و سیاست‌های مشوق صادرات است که به نظر می‌رسد دولت جمهوری اسلامی ایران طی مهر و مومهای گذشته کوشیده است تا از این تعارضات بکاهد و گامهای مهمی نیز در این راه برداشته است. از جمله این تلاشها می‌توان به تصویب قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ و اصلاحات متعدد در آیین‌نامه قانون مقررات صادرات و واردات اشاره کرد که سعی زیاد اما نه کافی برای حذف مغایرتها و تعارضات موجود با موافقت‌نامه‌های سازمان در آن دیده می‌شود. باین حال بسیاری از مقررات قانون مقررات صادرات و واردات با اصولی از سازمان جهانی تجارت و نیز مقررات گات برخورد دارد و نیاز به بازبینی و اصلاح بنیادین داشته و یا اصولاً ممکن است وضع قانون صادرات و واردات جایگزین ضرورت می‌یابد.

از آنجاکه عنوان و هدف این نوشتار ابعاد حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در زمینه مقررات صادرات و واردات است، بنابراین تمرکز بحث بر قانون صادرات و واردات و برخی قوانین مرتبط قرار گرفت، وگرنه برای الحاق ایران به سازمان جهانی مورد بحث، قوانین و مقررات بسیار دیگری هستند که می‌بایست مورد بازبینی قرار گیرند و افزون بر آن مقدمات گوناگونی از جهت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و شاید فرهنگی تمهید گردد تا بستر تحقق پیوستن به سازمان جهانی تجارت فراهم شود که هر جنبه در جای خود و در نوشتاری جداگانه نیازمند بحث است.

باتوجه به موارد گفته شده، پیشنهادات زیر جهت کاهش پیامدهای منفی ناشی از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی توصیه می گردد:

تشکیل یک مجمع تصمیم گیری متشکل از نمایندگان ثابت وزارت بازرگانی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی، گمرک و نمایندگان بخش خصوصی جهت اتخاذ تصمیمات لازم و سازگار با سیاست های کلان حاکم بر سازمان تجارت جهانی. آموزش و تعلیم کارشناسان متبحر جهت رایزنی و تصمیم گیری در سطوح بین المللی و محافل مربوط به سازمان تجارت جهانی.

مطالعه و شناسایی کلیه فعالیتهای مشمول مقررات سازمان تجارت جهانی در زمینه های کشاورزی، صنعتی، بازرگانی و خدمات در عرصه رقابت های اقتصادی بین المللی.

## منابع و مأخذ

۱. اخلاقی، بهروز، آثار حقوقی الحاق ایران ب سازمان تجارت جهانی، ۱۳۸۵، مجله کانون وکلاء شماره ۱۹۵، صص ۱۹۵-۲۱۲.
۲. امید بخش، اسفندیار و دیگران، سازمان جهانی تجارت. ساختار. قواعد و موافقت نامه ها، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵ ص ۴۴.
۳. بیدآبادی، بیژن، «سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران (پیش‌نیازهای اصلاح ساختار کشور)»، تهران، گیتی هنر، ۱۳۸۴.
۴. پور میر غفاری، مرتضی، قابلیت تطبیق حقوق بانکداری ایران با مقررات سازمان جهانی تجارت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۳، ص ۱۴.
۵. ترجمه بینات، ابوالقاسم و دیگران، «چگونگی الحاق به سازمان جهانی تجارت، دبیرخانه آنکتاد» تهران، ۱۳۸۱.
۶. ترجمه طارم سری، مسعود و دیگران، «اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت: نتایج مذاکرات تجاری چندجانبه دور اروگوئه»، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵.
۷. خانی چهری، محمد «قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۹۰، پژوهش و تحلیل محتوا»، تهران، ۱۳۹۰.
۸. دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، «سازمان جهانی تجارت»، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۹۰.
۹. دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری، «گزارش رژیم تجاری خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، ۱۳۸۷.
۱۰. سازمان توسعه تجارت ایران، دفتر مقررات صادرات و واردات، «مقررات صادرات و واردات سال ۹۴»، تهران، ۱۳۹۴.
۱۱. شیرودی، مرتضی، ایران تلاشی طولانی برای الحاق به سازمان تجارت جهانی، ۱۳۸۳، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱۲، صص ۱۸۷-۲۰۳.
۱۲. شیروی، عبدالحسین، «الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و تأثیر آن بر مقررات داخلی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۵، بهار ۱۳۷۹.
۱۳. شیروی، عبدالحسین، «سازمان تجارت جهانی (گات) اهداف، مبانی و ساختار»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۸.
۱۴. صادقی، محسن و غفاری فارسانی، «مغایرتهای مقررات حمل و نقل ریلی ایران با اصول سازمان تجارت جهانی WTO و ارائه راهکار»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۴۱، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۱۵. طارم سری، مسعود و دیگران، «آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر یارانه‌های صادراتی بخش صنعت»، تهران، ۱۳۸۵.
۱۶. طارم سری، مسعود، «قانون مقررات صادرات و واردات و الزامات حقوقی سازمان جهانی تجارت»، مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان جهانی تجارت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۵.
۱۷. فیروزی، مهدی، جمهوری اسلامی ایران و سازمان تجارت جهانی، ۱۳۸۴، رواق اندیشه، شماره ۵۰، صص ۸۹-۱۱۵.
۱۸. فیروزی، مهدی، «الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و پیامدهای آن بر مقررات صادرات و واردات»، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۸۴.
۱۹. قربانپور، شبنم، فرایند حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، ۱۳۹۴، کانون وکلای دادگستری، شماره ۴۰، صص ۱۱۱-۱۲۲.
۲۰. معاونت حقوقی ریاست جمهوری، «لوح جامع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران نسخه ۱،۴،۳»، ۱۳۹۰.

۲۱. نویدی، علی و جمال ارونقی، «مجموعه قوانین و مقررات امور گمرکی»، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی،

۱۳۸

## Principles Governing the World Trade Organization

Leila Shafiei<sup>1</sup>, Asim Mohammadi<sup>2</sup>

*1- Master's degree student, Department of Private Law, Islamic Azad University, Noorabad Mamsani, Iran.*

*2-Assistant Professor and Faculty of Private Law Department, Islamic Azad University, Noorabad Mamsani, Iran.*

---

### Abstract

Today's challenging business world forces us to step towards globalization along with other countries. The need for the Islamic Republic of Iran to join the World Trade Organization, as well as the importance of understanding the literature of each subject for a better understanding of it, prompts us to get to know the World Trade Organization more, so a correct understanding of the organizational structure of this organization and the responsibilities and powers of each of its parts It brings us closer to our goal. With more than 160 members, the World Trade Organization controls nearly 98% of world trade, with membership in this organization, despite the short-term economic constraints and pressures it may have on the country, we can hope for economic and even cultural-social and especially the promotion of Iran's global level will have many benefits in the long term. The World Trade Organization is a powerful international institution that deals with the establishment of rules and regulations to legalize trade between countries. And for this reason, it is inevitable. Free trade, reduction of tariffs and elimination of non-tariff barriers are among the principles and goals of the World Trade Organization. In this regard, rules and regulations have been developed in this organization that every country applying for membership must adapt its internal laws and regulations to these rules. The aim of this organization is to stabilize trade regulations so that trade between countries can be done as smoothly and cheaply as possible. After years of studying, examining and evaluating the positive and negative effects of Iran's accession to this organization, our country, Iran, decided ten years ago to apply for membership. The member countries of the organization agreed for Iran to become an observer member of the organization. In this article, we intend to examine the principles governing the World Trade Organization, Iran's efforts to become a member, and the need to amend the laws and regulations of this organization, including Iran's internal laws, which are very important in the field of foreign trade and need to comply with the regulations of the World Trade Organization. It is export and import. Iran's application for membership in the World Trade Organization was accepted on the 7th of June 1384, and the probably long process of permanent membership in this organization began.

**Keywords:** World Trade Organization, Iran, Legal Works, Dominant Principles

---